

گزیده‌ای از بیانات در دیدار جمعی از مسئولان و مدیران نظام

رهبر انقلاب به مناسبت آغاز سال جدید، روز دوشنبه‌ی هفته‌ی جاری (۲۰/۱/۹۷) با برخی از مسئولان و کارگزاران نظام دیدار کرده و بیاناتی کوتاه و صمیمی در جمع آنان ایراد فرمودند. در بخشی از این دیدار، رهبر انقلاب با توجه به فضای معنوی ماه رجب، اشاراتی به فضای حاکم بر مدیران دهه‌ی ۶۰، و حال و هوای آن روزهای کشور داشتند. نظر به اهمیت این موضوع، خط حزب‌الله، برای اولین بار، این بخش از بیانات ایشان را منتشر می‌کند:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

✦ خیلی از شما آقایان و خواهرهایی که اینجا هستید، از اوایل انقلاب بوده‌اید، بعضی‌ها هم نه، به خاطر سن و مانند اینها از اواسط وارد شده‌اید؛ لکن خیلی از شماها از اوایل انقلاب در میدان انقلاب و در میدان فعالیت‌های انقلابی بوده‌اید؛ یعنی دهه‌ی ۶۰ را بخوبی درک کرده‌اید. یادتان هست احساسات خودتان در آن دهه را؟ یادتان هست رفتار خودتان در آن دهه را؟ یادتان هست بی‌اعتنائی به مال را که در آن دهه داشتید؟ یادتان هست اهتمام به خدمت را که در آن دهه داشتید؟ یکی از چیزهایی که برای ماها خیلی مهم است [این است که] اینها یادمان می‌رود؛ اشکال کار این است. یکی از بلاهای ما «تدریج» است؛ یعنی بتدریج دچار یک حالتی می‌شویم که نمی‌فهمیم. پیری خودمان را نمی‌فهمیم، [چون] تدریجی است. کسی را که شما ۲۰ سال یا ۲۵ سال است ندیده‌اید و حالا می‌بینید، پیری او را می‌فهمید؛ اما پیری خودتان را که تدریجی است و پیری آن دوست همراهمان را که دائم با هم هستید، نمی‌فهمید، حس نمی‌کنید، چون تدریجی است. ما سقوط خودمان یا عقب‌گرد خودمان را که تدریجی است، درست نمی‌فهمیم؛ خیلی باید دقت کنیم. گاهی در یک فضایی قرار گرفته‌ایم، عادت کرده‌ایم؛ چون عادت کرده‌ایم، مشکل آن فضا را نمی‌فهمیم. بنده در سال ۵۳ و ۵۴ در این سلول زندان کمیته (۱) -خب معلوم است شرایط در سلول چه جوری است- گاهی میدیدم که این نگهبان در را که باز میکند، عقب می‌ایستد؛ یا گاهی اوقات که بعضی از بازجوها برای یک مقصودی دم در سلول‌ها می‌آمدند، میدیدیم وقتی می‌خواهند بیایند داخل سلول، عقب میکشند؛ نمی‌فهمیدم چرا. یک روز بنده را بردند بازجویی، از صبح تا نزدیک شب طول کشید؛ وقتی برگشتم، دیدم فضای داخل سلول غیر قابل تنفس است؛ این قدر بوی گند در این فضا حبس شده که اصلاً تنفس [ممکن نیست]. آن وقت فهمیدم که چرا این نگهبان و این بازجو وقتی که در را باز میکنند، عقب می‌ایستند؛ بو اذیتشان میکند؛ من که در

آن سلول زندگی میکردم نمیفهمیدم، [چون] عادت کرده بودم. کاری کنیم که بوی بد عمل خودمان ما را بیازارد، آن را احساس کنیم، آن را بفهمیم؛ این خیلی مهم است.

خب یک راهی هم [وجود] دارد؛ یعنی با وجود اینکه «تدریج» بر اعمال ما و حالات ما حاکم است و این مانع میشود که جایگاه و موقعیت خودمان را درست تشخیص بدهیم، لکن راه دارد، معیار دارد؛ آن معیار این است که نگاه کنیم به عملهای خودمان. مثلاً فرض بفرمایید جنابعالی نگاه کنید ببینید که قبلها، بیست سال پیش، پانزده سال پیش، مقید بودید که حتماً این دو رکعت نشسته‌ی نافله‌ی عشاء را به جا بیاورید -حالا نماز شب و نافله‌ی شب و نوافل دیگر را عرض نمیکنم؛ همین دو رکعت کوچک و کوتاه- حالا نمیکنید، حالا مقید نیستید؛ [از اینجا] بفهمید که عقب رفته‌اید. اگر دیدید که یک عمل خیری را در دهه‌ی ۶۰ یا دهه‌ی ۷۰ انجام میدادید، حالا که دهه‌ی ۹۰ است آن را انجام نمیدهید یا رغبت ندارید یا اصلاً فراموش کرده‌اید -یک دعایی بود که آن وقت میخواندید، حالا اصلاً یادتان نیست- یا یک عمل خلافی بود، یک حرامی بود که آن وقت مقید بودید انجام ندهید، حالا راحت و بی‌دغدغه انجام میدهید، بفهمید که عقب رفته‌اید؛ علامتش این است. اعمال خودمان را میتوانیم بفهمیم، میتوانیم مشاهده کنیم؛ حالات و وضعیت دل خودمان را آسان نیست که بفهمیم، [چون] به آن عادت کرده‌ایم؛ اما عمل را راحت میتوانید نگاه کنید، ببینید. اینکه اساتید اخلاق دائم ماها را توصیه میکنند به اینکه مراقبت داشته باشید -مراقبه! یکی از کارهای اساسی مراقبه است- این مراقبه برای همین است؛ مراقب خودمان باشیم.

عزیزان من! از هر جا که هستید، قوه‌ی مجریه، مقننه، قضائیه، جاهای دیگر، همه در جمهوری اسلامی در این جهت یکسانید و یکسانیم که احتیاج داریم به تعمیر قلب خودمان؛ به این نیاز داریم؛ چون جمهوری اسلامی با یک حکومت متعارف معمولی در دنیا فرق دارد. جمهوری اسلامی با یک هدفی، با یک آرمانی، با یک منطقی، با یک علمی به وجود آمده و آن علم عبارت است از توحید، از حکم الهی، از شریعت الهی؛ با این علم به وجود آمده. همه‌ی آن چیزهایی که ما میخواهیم، آزادی و عدالت و استقلال و مانند اینها، در همین علم اسلام مندرج و مندمج (۲) است. [جمهوری اسلامی] با این به وجود آمده؛ دیگران به این مقید نیستند. خب فرض کنید که فلان کس در کشور خودش فلان مسابقه‌ی حرام را به راه می‌اندازد، اشکالی ندارد، بالاخره [برایش] درآمدی دارد؛ [اما] ما نمیتوانیم این کار را بکنیم. اول انقلاب، بعضی از آن آقایانی که آن وقت بر سر کار بودند راجع به مشروبات الکلی‌ای که از طرف ایران خریداری شده بود و داشت با کشتی می‌آمد یا آمده بود، با امام وارد صحبت شدند که «آقا! اگر ما اینها را رد کنیم، فلان قدر خسارت از کیسه‌ی ما می‌رود»؛ امام قاطع و محکم برخورد کردند، گفتند ول کنید، این درآمد نیست. حالا من دقیق جزئیات فرمایش امام یادم نیست، اما این موضوع کاملاً یادم هست. این است دیگر؛ ما تقیّداتی داریم که دیگران ندارند. اگر بخواهیم این تقیّدات را

عمل بکنیم - که دنیا و آخرت ما وابسته به این است که بتوانیم پای این حرف اسلام، حرف جمهوری اسلامی، بایستیم- باید دلمان را درست کنیم. درست کردن دل هم عمدتاً مربوط است به ارتباطش با خدا و تذکر ذات مقدّس الهی و یاد و ذکر؛ این است که به ما تقوا میدهد. وَ لَذِكْرِ اللَّهِ أَكْبَرُ؛ (۳) ذکر خدا است که ما را وادار میکند به تقوا، وادار میکند به مراقبه، وادار میکند به اجتناب از گناه، وادار میکند به اجتناب از خیانت، وادار میکند به اجتناب از دنیاطلبی؛ [یعنی] اینهایی که به آنها احتیاج داریم. برای مسئولین جمهوری اسلامی این چیزها واجب است؛ اوجب واجبات اینها است، و آن یاد خدا است که ما را به اینها وادار میکند.

۱ (کمیته‌ی مشترک ضدّ خرابکاری

۲) در هم آمیخته، واردشده

۳) (سوره‌ی عنکبوت، بخشی از آیه‌ی ۴۵؛ «... و قطعاً یاد خدا بالاتر است»...) .